و خب محرومیت از تحصیل. اول مهر ۷ ســالگی هیچ جایی از زندگی این بچه ها تعریف نشده است و همه زندگی این بچه ها تنها یک فصل دارده فصل کار. تفاوت فصل هایشان را تنها می توان در ترس

- در سوده سست. یا حول می و می در عرس ز برف، باران، سرما، پاهای برهنه یا عجز از تحمل گرماوتشنگی تابستان دید.

ر موسطی به سایداگر با این بچه ها در ار تباط نباشی هم بدانی، اما پسای قصه زندگی شسان نشستن باهمه کتاب هاوفیلمهایی که دربارهشان

نوشته و ساخته شـدهاند، فرق دارد. من خُجالت

می کشم. من از نشستن پای حرفهای رضاها و سی نسم. سی رسستس پی عرصه ی رسمه و پرینازها خجالت می کشم، از حسرت و خستگی نگاههایشان، از دستهای سیاه و چروکی که هیچ نشانی از کودکی در آنها نیست، از کودکی

ی رکی رکی از کا در برابر این نداشته شان در برابر این همه ظلم و بی عدالتی، از حقی که ناحق می شود و

برایشان اُرزوست، من اُز آرزوهای کوچک رضاها و پرینازها که بدیهیات زندگی ما اســـت خجالت

ى كشم. كودكاني كه تنها خواسته شان اين است

ساعت بشــوند مثل همه هم سنوسالهایشان، دیگر نان آور خانههایشان نباشند، شعر بخوانند، مشق بنویســند و شاگردی

چهار دیواری است و یک نیمکت و یک معلم،

. در کان محروم از تحصیل کشورمان نگذریم، تا جشن شکوفههایی که در دست همه شکوفههای

یی حصر مست ممه سخوفههای سرزمین مان دفتر و کتاب باشد، نه قال، دستمال، اسپند و شیشه شور، تا اول مهری که تحصیل ه

مد, ســُه نه آرزوی یک کودک، بلکه حق طبیعی

باەمھر ماەمھربان نې

ی کهبرای چندس

اول مهر ٧ سالگي هنچ جاني

اززندگی این بچه ها تعریف نشده است و همه زندگی این

ىجەھاتنىمانكىفسا دارد؛

فصل کار. تفاوت فصل هایشان

را تنهامی توان در ترساز برف، باران،سرما،پاهایبرهنهیا عجزاز تحمل گرماوتشنگی

تابستان دید

ے ۔اعت کودکی کننــد

كننيد تنها خواستهشيان

این است که بتُواننــد برای

خودشان آيندهاي جز آينده

نيرهو تار پدرهاومادر هايشان

متصور شنوند وبنه معلم

مهندس، خلیان، بازیگر و دکتر شدن هم فکر کنند من از کنار هم قاردادن

ـههای هوث

آنهمه تجهيزات وامكانات و ں رفاہورقم۴میلیونیکودکانی که تنها خواستهشان یک

درباره کودکانی که لحظه به لحظه زندگی شان با محرومیت گره خور ده است مهر،ماهمهربانينيست

مريممحمودى

زنگها به صدا درمی آیند و کودکانی با کیف، کفش و لباس نو و یک شاخه گل به دست و

خیره به لنز دوربینهایی که آنها را در مرکزیت قرار دادهاند لبخند میزنند و آغاز آموختنشان را ثبت می کننداماصدای آن چکشهایی که دیلینگ دیلینگ دیلینگ نوید آغاز می دهند به

گوش همشاگردی های سر چهارراهها نمیرسد. کودکان بیدفاعی که زندگی شان مهر، دی، بهار و تیر نمی شناسد کودکانی که دستها، چشمها

خندههای پراز حرفشان در مرکزیت هیچ

ر دوربینی قرار ندارد. کودکانی که یادیده نمی شوند یا آن طور که بایــد دیده نمی شــوند: «اینها همه

عضو یکُ باندهســـتنده. بله! باندهستندامانه آن باندهایی که در داستان هاو سریال هاخوانده و دیده

مى شوند، أنها مظلوم ترين هاى بانداعتياد هستند،

باند حاًشیه های پر از فقر و فساد شهر هایمان، باند

کوروپزخانههاو کارتن خوابها، باندبدبختی از بدو تولد، باند پدر و مادرهای نشئه. پدر و مادرهایی ر . . . چیر و . . ـ ردی ست که نشتگیشان شــب و روز پرینازها،فاطمهها،محمدها،

م مهرانه ها و رضاهای زیادی را

سرگردان چهار راههامی کند.

کودکانی که نیمکتهایشان در کوچه و خیابانهاست

و خیلُی زودُتر از ۷ ســالگی همشاگردی هم شــدهاند و

الفبای زندگی رانه باگل وشیرینی و آغوش پر از محبت، که با سنگینی

. دســتان پدرومادرهایشان و با نگاههای تحقیر آمیزی که

. ضخامت شیشههای خودروهایمان هم چیزی از سنگینیشان کم نمی کرد یاد گرفتند. کودکانی

تولد به جای آیات قرآن در گوشهایشان خوانده ن: کار کار کار، ظلم، رنج، ترس، تحمل، صبر و

مرگ. كودكاني كُه لحظُه به لحظّه زندگي شأن بًا محروميت گره خورده است: محروميت از محبت،

حرومت از آسانش، محرومیت از یک وعده

غذای گرم،محرومیت از تفریح،محرومیت از عشق

ئسان را با در در دهاند گویسی که بعداز

نامه

على صداقتى خياطاز تجربه آموزش به كودكان محروماز تحصيل مى گويد

بچەھابازبان خندەدرس مىخوانند



طرح نو اسارا شمیرانی اچه فرقی می کنداز چه قومونژادی باشند. یامثلادینی که به آن اعتقاددارند چه چیزی است؟بچه هاوقتی می نشینند پشت میزو نیمکت و قرار است الفبایاد بگیرند، هیچ کدامشان از هم نمی پرسند چرا چشمهای ریز و لهجه متفاوتت توراکنار دست من نشانده ایدئولــوژی که به آن اعتقاد داری چیســت یااز چه طبقهای آمدی و حالا داری کنارمن درسمی خوانی؟ آنها به زبان بازی باهم حرف می زنند بازبان خنده هایی که زنگ های تفریح تبديل مىشودبه قهقهههاى بلندو شوخى هايى كه سبیرین همیشودیدیچههای بندنوسوخیهایی که تمامی ندارد برای همین همهاجرافغان و کودک کار و دختر و پسر می نشینند روی نیمکنهای زنگازده و با هم خواندن و نوشتن باد می گیرند. همین که بدانند همگی همسن وسال هستند و حرف مشــترک دارنــد، کفایت می کنــد. بچههایی که زندگی باعث شده بی سواد باشند و مثلا از ۱۰ سالگی شروع به خواندن و نوشتن کنند، می دانند معامی سروح به خواهن و خواهن معناه هم کاری چطور همدیگر رادرک کنند. برای همین هم کاری به گذشته همدیگر ندارند.معنای مهاجر غیرقانونی را نمیدانند و افغان را به چشـم آنهایی که شــهر و کشورشان راشلوغ کردهاند،نمی بینند.دوستی های بچگی که قاعده و قانون ندارد. همیسن بیقانونی را ر المراد خياط مي شناسند و معتقد است، آموزش حق م همه بچههاســت. حق همه آنهایی کــه به هر دلیلی نتوانســتندمهرماه بروندمدرسه ویک چیزی مثل بول یا قومیت وملیت مانع آن شده است. عمو خیاط ۱۰سالی است که همه تلاشش را برای باسواد کردن ىجەھاكردەاست.

سوادی بایجه هاین گیمی شود

3

بی سوتی بهت برا حسی سوت خیلی ها هستند که از درس خواندن محروم شدهاند. بچههای معلول یا آنهایی که مشکلات مالی داشـــتهاند. مهاجرانی که غیرقانونی به ایــران آمدند و

علی اوسطهاشمی استاندار سیستان و بلوچس

ر صفحه فیس ہوک شےخصی خبود در اظهاراتی از

نگرانــی عمیق خود بــرای ۲۵هزار کــودک بازمانده

از تحصیل در سیستان و بلوچستان نوشت و افزود اولویت اول کارها در این استان باید رفع بی سوادی

کانــون صنفی معلمــان در دیدارهایی کــه باوزیر

این زمینه اعلام حمایت کرده و در نشست شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان کشور که با حضور قائهمقام وزیر برگزار شد، دغدغههای معلمان که منافقه استان است

كشور نسببت به باز ماندگان تحصيلي براي قائم مقام

وزیر باز گو شد. سال هاست که دستگاه آجرایی آموزش

وُ پُرُورشُ كشـور بهدنبال ايجاد مشـوقُ هايي جُهت

ز بین بردن کامل بی سوادی بوده و در این راستا طرحهایی هم به اجرا در آمده است. مثلا در برخی

ستانهاازجمله کهگیلویه و بویر احمد دبیرخانههای دایمی ایجاد شده که برای انسداد مبادی بی سوادی فعالیت می کنند. برخی استانداری ها در جذب و

مدارس دُولتی را ندارنــد عمو خیاط درباره این بچا می گوید: این بی سوادی برای خیلی ها تا بزر کسالی هم ادامه پیدامی کند. در مواقعی حتی چند کلاس سواد و دانشی که در حدخواندن و نوشتن هم بوده به مرور از یاد می رود و بچه ها را دوباره بی سواد مطلق به مرور از یاده خی و دو بچهها را دوباره بی ســواد مقتنی می کند. بچههایی که کم کم برزگ می شوند و یکدفهم چشــم باز می کنند و می بینند در ۲ سالگی بی سواد مطلق هستند. خیلی مایشان می روند و در کلاس های نهضت ســواد آموزی شــر کت می کنند اما چون سن

یادگیریشــُان گُذُشــته، دیگر نمی توانند خیلی زود میرن وادیاد بگیرند برای همین هم اکثر کسانی که در دوران کودکی از تحصیل محروم ماندند، در آینده تنهاهمبهاين فكرنمى كنيم کهبهبچههاییکهدرتهران مستقرهستندکمکیکرده هم دچار مشکل میشوند و این مسأله روى همه زندگىشان تأثير باشیم.درحالحاضردرساری، می گذارد. سمنان،شهرری و کرمان هم

همکاری۲۶مرکز برای ایندورههابرگزارمیشود وبچههایزیادیعلاوهبر باسواد کردن بچهها در حال حاضر ۲۶ مرکز در تهران خواندن ونوشتن تاحدودي وجوددارد کــه به بچهها خواندن و نوشتن یاد میدهد. البته با روشی رياضي وخطاطي همياد ی میگیرند ر ـــ ی یـــ سی سعد البینه با روشی که عمو خیـــاط آن را ابــداع کرده اســـت روشی که اســمش را اهنر

است. روشی که اســمش را «هنر خواندن و نوشتن» گذاشــته و کودکان و بزرگسالان را و سوسی و وست. در ۳۰ جلسه باســواد می کند. علی خیاط می گوید ماار تباطی ندارد که بچههااز کجا آمدهاند و قرار اســ چه قوم و مذهبی داشته باشند. اولویت ما اول کودک ، بودن اُست و بعد هم یاد دادن سواد به اُنها و فراهم کُردن شرایط درسخواندن تنهاهم به این فکر نمی کنیم که به بچههایی که در تهران مستقر هستند کمکی کرده باشیچ در حال حاضر در ساری، سیمنان، شهرری و . کرمان هم این دورمها بر گزار میشود و بچههای زیادی بلاوه برخواندن ونوشتن تاحدودى رياضي وخطاطي هم یادمی گیرند

ساختمانهاینیمه کاره؛مدرسهبچههایمحروم حالا کنار تمیام محرومیتها، حیق در سرخواندن در سیوهای که علی خیساط آن را ابداع کرده اس در حال حاضر در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، شهرک امید، کانون اصلاح و تربیت و... اجرا می شود. روزهای جمعه معمولا بزرگسالها بسرای یادگیری راجعهميكنند بستی صحت ممانهایسی که کلاسهسای نهضہ

تاثیری , ویشان نداشته اما حالا با ۳۰جلسه خواندن و توشتن یاد می گیرند و بعد هم با انگیزه می روند دنبا درسخواندن. علی خیاط از کســانی اســم می برد که ئىه ھمراھشــان بودہ اما توان نر کمتُـر از دوســالونیم دیپلــم

بگیرند و دانشگاه هم قبول شوند اینروزها خیلی از ساختمانهای نیمه کاره شهر جایی است برای این که چند تامیز ونیمکت قدیمی به آن اضافه و کلاهای درس برپا . شــود. برای آنهایی که شوق و ذوق درسخواندن دارند، مهم سواد یاد گرفتن است و برایشان فرقی ندارد کلاس درس کجا باشد. با روش کدگذاری و نشانه گذاری و با استفاده از لغتهای شنوایی که

بچهها بلد هُستند به آنها سُواد یاد مىدهداين روش مى گويد، هر بچه ٧ سـاله، ١ ٩ هزار رسی بی از رسی بی بیری در سیبی بین این در کنید ذهنش ثبت کند همین کد نشانهها باعث می شود تا بچهها و حتی بزر گسال ها خیلی زود خواندن و نوشتن . ایادیگی ند

. این روش با حافظه کوتاممدت کاری ندار دو همه چیز رامی سرد در حافظـه میان مدت. قرار اسـُـتُ خواندن وُ نوشــتُن مثل یک مهارت مثلا دوچُرخهسـوارُی ب چەھا ياد دادە شــود. خيلى از بچەھــا بودند كە بعد از ین آموزشها دانشگاه هم رفتند. همان جلسه اول و با

ت، بعد هم بــا روش ِهای متفاوت

بين بچەھايى كەمىآينددر ھمين ساختمانھاء یمه کاره تا درس بخوانند و چندساعتی به دنیای " کودکانهٔ خودشاُن فکر کُنند، بچههای افغان زیاد دیده میشود.همانهایی کهجنگخانوادههایشان راکشانده یی خورست _یی بر بیده نود ایران تا کاری داشته باشند و غذایی برای خوردن. «کار هرچقدر هم که سخت باشد، باز با خودش پول می آورد. در افغانســـتان جنگ زده که کاری نیســت برای انجام دادن، اینهارازنی می گوید که حالابا یک بچه یک ساله دربغل هرروزمی آیدتاپسرش بی سوادنماند. پسری که عصُرها درُ یکُ کارگاه کار می کندو قرار است جور پُدری اِبکشد که بیمار افتاده گوشه خانه. «خیلی دوست دارم چەھايىم در مدرسە عادى درس بخواننداماامكان ندار د. به ندیه از سازت سای درسی، فرهند سندند. مامهاجریــمو نمی توانیم بچه هارا در مدرســه دولتی ثبت نام کنیم. خرج خانه هم جای خودش را دارد اما با همه این حرفها و با این که خودم خانههای مردم کار ے۔۔۔۔ می عرصه اور می کنم، هر روز پسرم را می آورم این جا تا درس بخواند. دوست دارم برود دانشگاه، برای خودش کسی شود. برای همین هم با یک بچه کوچک این همه رفت و آمد تحمل می کنم امانمی گذار م بی سواد بار بیاید سواد که داشته باشد بعدهامجبور نیست خانههای مردم را تمیز

و براساس ضریب هوشسی به بچه ها آموزش داده می شدود. این اتفاق درمورد آموزش بزرگسسالان هم صدق می کند و همین آموزش ها راهی می شدود برای این که بچه ها انگیزه پیدا کنند و ادامه تحصیل بدهند. ر درحال حاضر هستند بچههایی که یک زمانی به دلایل ختلف نمى توانستند تحصيل كننداماالان مدركهم "ر گرفتندو به انجمنهای مختلف برای آموزش کودکان کمکمی کنند. هر کسی که بتواندروش «هنر خواندن و نوشـــتن، را یاد بگیرد، می تواندُ جذُبُ شُود وُ به عُنوانَ معلی به بچه ها سوادیاد دهد.

سواد که داشته باشد، همه چیز دار د

۔۔۔ی۔۔میسی سعی سدرم یوسواد بر بیاید سواد له داشته باشد بعدها مجبور نیست خانههای مردمرا تمیز کند برای خودش کسی می شودو آن وقت شاید بتواند وضع ماراهم بهتر کند.

کرد: اسامی ۱۴۱هزار دانش آموز بازماندهاز تحصیل در

ئروه سنى ۶ ســـال+۱ تمام تا ۱۱ سال تمام ثبت شده نه وی افزود: این آمار پیش از این ۱۵۹ هزار نفر اعلام

شده بود که پس از بررسی و مقایسه بابانک اطلاعات آموزش و پرورش و سازمان ثبت احوال، تعداد ۱۴۱هزار در نهایت بازماندگان از تحصیل مشخص شدهاند که این

آمار در دی ماهسال ۹۱ به مرکز آمار و فناوری آموزش و

پرورش اعلام شدواز طریق این دفتر، در اختیار معاونت

بُنْدایی آموزش و پرورش برای بررســـی قرار گرفت. به گفته نوری، ۱۲میلیون و ۲۷۹هزار دانش آموز از مقطع

ابتدایی تا پایان پیشدانشگاهی در مدارس دولتی و

. کی چیک چیک کی در سراسر کشور مشغول به تحصیل بوده و غیردولتی در سراسر کشور مشغول به تحصیل بوده و این آمار بدون درنظر گرفته شدن تعداد و آمار نوآموزان

ین در آرای و در مدارس پیش دبستانی و همچنین افرادی است که در مدارس بزرگسالان تحصیل می کردند. بااستقرار دولت تدبیر و امید، آموزش و پرورش از

وجود آمار نگران کننده بی سوادان و کم سوادان و از عزم خود برای تهیه آمارهای دقیق خبر داد ووزیر آموزش و

همهُ كودكان باُنْ

ادامه از صفحه ۹

کودکانبازمانده از آموزش، روبه کاهش یا روبه فزونی؟

اسی مهروری سعت دار ترجی است. اما از مدرسه و چند و چون کار آموزشی که بگذریم - که البته داستان بلندی است - عوامل بیرونی مهمی هم هستند که باعث می شوند شمار در هر خانواده، دست کم در هر دو، سه خانواده، یک یا چنددانش آموخته دانشگاهی بیکار وجود دارد. چندی پیش یکی از بستگانم که در شرکتی عمرانی پ در شهرستان کار می کندمی گفت در هر روز، چند لیسانس وفوق لیسانس بهشر کتمارجوع می کنند - حاضرند با حقوق ماهانه پیرامون ۵۰۰ هزار تومان کار کنند؛ والبته ماهم نیرونیاز نداریم روشن است

حن این گزارش از مدر سے دولتی دانش آموز و آموزگار و درنهایت ترک تحصیل دانش آموزان،سخت کارگرمی افتد.

که در چنین شرایطی، ادامه تحصیل دیگر جاذبه و گیرایی ندارد. دانش آموزی در کلاس درس، برادرش رابا پسر عمویش مقایسه می کرد.می گفت برادر من

کی با او(Qibao)، مدر سـه و شرایط و امکاناتش را با بســیاری از مدر سـههای دولتــی خودمان می سنجیدم. امکانات آموزشــی ما بسیار ناچیز اســت و آموزشــی که در مدرســههای کنونی ما ارایه می ُشــُوداز کیفیت ٔ پایینی برخوردار است و با زندگی و زمانه کنونی، فرســنگها فاصله دارد. همین کیفی نبودن اُموزش، در نابود کردن انگیزه

چشمگیری از نوجوانان و جوانان دس ہست پری ر م بوسی و بوسی بردارندو جذب بازار کار شوند هماکنون اگر نگوییم

فت بازار و هماکنون، هم خانه دار دو هم خودرو، کار و چرامن هم باید در س بخوانم که پدر و مادر م به زور برامی فرستندمدرسه؟ به هر رو، کودک بازمانده از آموزش – و بهویژه شمار بالای آن در جامعه ما، یک واقعیت است. ریشهها و بنیادهای گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اُجتماعی و آموزشــی گوناگونی هــم دارد. حل این دشــواره، همانا، نیازمند بسیجی ملی است. همه ارکان حاکمیت، باید دســت به دســت هم

بسر درس خوانی بود که هم کنون چندسال است

پ ر ر ر بی ر کی ر ر بی از رسی اما پیسر عمویم، پسر شر و شوری بود که در سوم راهنمایی، در س را رها کر دو

دهند تا وضع از این که هست بهتر شود. اگرچه شور بختانه، دورنمای خوشایندی دیده نمی شود. هنگامی که سَـهم آموزش و پــرورش در ایران از تولید ناخالص داخلی پیرامون یکــدرصد در سال ـت-در ردیف فقیر ترین کشــورهای جهان هنگامی که بودجه آموزش و پرورش در هر سال میلیاردها تومان کسری دارد، هنگامی که حقوق آ " " (آموزگار کفــُاف ۱۵٬۱۰ روز زندگی ماهانهاش را هم نمی دهد، هنگامی که بیکاری در کشور بیداد مى كندو ... آيا مى توان اميدوار بود كه كودكان بازمانده اُز آموزش، اُز آین که هُ

نمى توان براى بازماندگان از تحصيل يك نسخه پيچيد

نگهداشـت کـودکان کار و آسـ تحصیل فعال شدهاند و مدیر کل دفتر امور آسیبهای اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از رایزنی با آموزش و پـرورش و اختصاص سـهمیلیارد تومان . مراد مرکز می اجرای طرحهایی تشویق کننده برای بودجه جهت اجرای طرحهایی تشویق کننده برای ادامه تحصیل بازماندگان خبر داده است. همچنین پیشتر دبیر کل شُـورایعالی اَمُوزش و پرورش بااعلام پوشش تحصیلی ۹۸درصدی لازمالتعلیمان(۴۵-۸ ساله) از حذف کامل بی سوادی در پایان برنامه پنجم . وادآموزی در توسعه خبر داده بود و تاکنون نهضت سواد آموزی استانهای مختلف با ایجاد بســترهای لازم ازجم خـود اظهـاري - و پالایـش و جسـتوجو در بانک

اصلاعایی سواده وری - و راهدارهای عمیدایی برای زدودن بی سوادی در کشور تلاش کرده است حدود ۹میلیون بی سبواده و تعداد زیـادی بازمانده از تحصیل است. ترک تحصیل یک مشـکل داخلی نیست و امروزه جهان با این مسأله دست به گریهان ست. دولت در کشسور برزیل بسه خانوادههای فقیر

اطلاعاتی ســوادآموزی -و راهکارهای عملیاتی برای

كمك مالى مى كُند مشُرُوطُ بَرْ آن كه فرزُندانشان را بهُ

سه بفرستند بهطوری که در ۸۰درصد کلاسها شركت كنند.

. در دولت پیشین ایران، در آموزش و پرورش دیدگاهی براساس پنهانکاری وجود داشت که اصولا تهیه آمار ر وظیفه آموزش و پرورش نیست! تــا جایی که معاون مدیر کل دفتر خلاقیت و نوآوری ابتدایی درســـال ۸۸ در پاسخ به پرسس مهر گفت: «رویکرد این وزار تخانه پوشس صددرصدی کودکان لازم التعلیم است، ما از

وشش تحصيلى دراستان هاباخبر هستيم وازكودكان بازمانده از تحصیل ُخبر نداشته و اُصولاً هم وظیفهای . در این زمینه نداریم.» و معاون آموزش ابتدایی آموزش و پُـرورش ۱۵مهرماه ۹۱نیز به خبر گــزاری پانا گفت: «بهنظر مــابازمانده از تحصیل وجود نــدارد، چرا که در دور ترین نقاط کشور حتی بین عشایر، تمامی امکانات لازُم آموزشی برای همه دانش آموزان تهیه و فراهم شده است. البته چندی بعد درباره آمارهای متناقضی که از سوی از گان های مختلف از جمله معاونتهای آموز ش

پرورش برای پیگیری وضع کودکانی که به زور خانواده مجبور به ترک تحصیل شدهاند گفت وزار تخانه آموزش سوی ر دارسی سختت رجیسه متونت های مورس و پرورش، سازمان بهزیستی و فعالان حقوق کودک درباره تعداد کـودکان لازم|التعلیم بازمانده از تحصیل و پــرورش از طريق قــوه قضائيه موضــوع را پيگيري اعلام میشود، رئیس مرکز آمار آموزش و پرورش اظهار